

ابوذر: آرمان‌خواهی تا پای چوبه دار

۱۱ خرداد ۱۴۰۴ ساعت ۲۰:۱۶

گروه ابوذر طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۱ در نهایند- همدان شکل گرفت. هسته اولیه این گروه را جوانان و حتی نوجوانان تشکیل می‌داد. در بین اعضا، دانش‌آموزان نیز به چشم می‌خوردند. اکثر اعضا از بین افراد حاضر در مساجد بودند.

دهه ۱۳۵۰ را می‌توان دهه شکل‌گیری گروه‌های مبارز مسلحانه علیه حکومت شاه دانست. در این دهه گروه‌های سیاسی مختلفی با اصول و عقاید سیاسی متفاوت تشکیل شدند. با این حال اکثر گروه‌های مبارز در کنار شیوه‌های مبارزاتی متفاوت، مشی مذهبی یا چپ‌گرایانه داشتند. در میان گروه‌های مذهبی، گروه ابوذر از جمله گروه‌های سرشناس بود که مبارزات آن، بازتاب گسترده‌ای در میان مردم داشت. گروهی سیاسی که طول عمر آن چندان طولانی نبود؛ اما بسیار تأثیرگذار بود. با این مقدمه در ادامه به شکل‌گیری این گروه، اهداف و فرجام آن پرداخته شده است.

در باب تشکیل گروه ابوذر و اعضای آن

گروه ابوذر طی سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۱ در نهایند- همدان شکل گرفت. هسته اولیه این گروه را جوانان و حتی نوجوانان تشکیل می‌داد. در بین اعضا، دانش‌آموزان نیز به چشم می‌خوردند. اکثر اعضا از بین افراد حاضر در مساجد بودند. به عبارتی عامل مشترک در گردهمایی اعضا، مسجد بود. البته اکثر اعضا، نسبت خویشاوندی نیز داشتند. تعداد اعضا در ابتدا شش نفر بود. بهمن منشط رهبر اصلی گروه بود. او اولین کسی بود که پیشنهاد تشکیل گروه ابوذر را مطرح کرد. ولی الله، مشاءالله و روح الله سیف، حجت‌الله عبدلی و عبادالله خدارحمی از اعضای اولیه و مهم این گروه بودند.

در باب مرام و عقاید گروه ابوذر گفته شده است که آنان تحت تأثیر روحانیونی که از قم برای تبلیغ به نهایند می‌آمدند، یا روحانیونی که از این شهر در قم تحصیل و تدریس داشتند، قرار داشتند. آیت الله ربانی شیرازی و مرحوم حجت الاسلام فاکر از افرادی بودند که این گروه با آنان ارتباط داشتند. [۱]

البته برخی نیز ادعا کرده‌اند که این گروه مشی چپ‌گرایانه نیز داشت و وابسته به جریان‌های هم‌چون گروه مجاهدین خلق بود. این دیدگاه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و از سوی برخی از چپ‌گرایان مطرح شد؛ اما سند و یا منبعی که بتواند این دیدگاه را ثابت کند وجود ندارد. از طرفی گروه ابوذر نیز هیچ‌گاه خود را وابسته به جریان‌های چپ معرفی نکرده بود. این موضوع از همان ابتدای مطرح شدن با واکنش خانواده‌های شهدای گمنام ابوذر مواجه شد. اما خانواده‌های شهدای «گروه ابوذر» با صدور پیامی نسبت به انتساب «گروه ابوذر» به سازمان مجاهدین خلق اعلام برائت کردند. در بخشی از این پیام نسبت به نصب سنگ مزار با آرم سازمان بر روی قبور شهدای ابوذر اعتراض کرده و آن را از مقوله شهید دزدی قلمداد کردند... و اعلام داشتند: این گروه هیچ

گونه رابطه ای با هیچ گروه و سازمانی نداشته است. و در پایان علیه سازمان مجاهدین خلق اعلام جرم نمودند. [۲]

اهداف گروه ابوذر

گروه ابوذر همانطور که در ابتدا نیز گفته شد خود را منتسب به گروه‌های مذهبی می‌دانست و جهت تحقق حکومت اسلامی و پیروزی انقلاب فعالیت می‌کرد. اعضای این گروه برای مبارزه با شاه و پیروی از امام خمینی (ره) کوشیدند و چند عملیات موفق علیه مراکز رژیم پهلوی انجام دادند. [۳] گروه ابوذر برای مبارزات خود مشی مسلحانه را انتخاب کرده بود. البته اعضای گروه فاقد هر گونه امکانات لازم و مسلحانه بودند. از این رو بخش مهمی از تلاش‌های گروه، معطوف به جمع‌آوری اسلحه بود. تلاشی که از همان ابتدا ناکام ماند. داستان از این قرار است که گروه برای به دست آوردن اسلحه تصمیم می‌گیرد برخی از اعضای خود را به قم بفرستد. البته بخشی از سفر به قم در راستای کسب اجازه مذهبی برای مبارزه مسلحانه نیز بود. اما وقتی یکی از اعضا تصمیم می‌گیرد اسلحه یک پاسبان را بگیرد به کشته شدن او منجر می‌شود. موضوعی که باعث شد تا گروه تحت تعقیب قرار بگیرد و دستگیری اعضا را آغاز کند. [۴]

فعالیت‌های گروه ابوذر بعد از کشته شدن پاسبان

بعد از ناکام ماندن تلاش‌های گروه در به دست آوردن اسلحه، انشعاب گروه آغاز شد. بر این اساس بعد از کشته شدن پاسبان حکومتی در قم، پلیس مخفی ساواک از این موضوع به عنوان دلیل و بهانه‌ای برای دستگیری و تبعید اعضای گروه استفاده کرد. ساواک خیلی زود توانست تعداد زیادی از اعضا را شناسایی و دستگیر کند. در ابتدا ۲۵ نفر تبعید شدند و این تعداد با تبعیدی که بعدها صورت گرفت به ۵۰ نفر رسید. اکثر اعضا با سه سال تبعید محکوم شدند. شهرهایی که برای تبعید در نظر گرفته شده بود عمدتاً جزء شهرهای دورافتاده با امکانات بسیار کم بود. اما علیرغم تبعید، بسیاری از اعضا همچنان فعالیت‌ها و مبارزات خود را ادامه دادند و توانستند تبلیغات خود را به حدود ۶۰ شهر که فاقد منابع ضروری بودند، گسترش دهند. تبعید طولانی به این افراد اجازه داد تا تلاش‌های فرهنگی و تبلیغاتی خود را سازماندهی و ارتقا دهند. علاوه بر این، آنها روشی سیستماتیک برای ارائه حمایت مالی و مادی به خود و خانواده‌هایشان ایجاد کردند. اعضای تبعید شده گروه ابوذر همچنین توانستند بین پایگاه‌های خود در قم و تهران نیز ارتباط برقرار کنند. [۵]

شهادت شش نفر از اعضا و فرجام گروه

تبعید و حبس در زندان تنها بخشی از محکومیت گروه ابوذر بود. در کنار تبعید و حبس طولانی مدت، شش نفر از اعضای گروه حکم اعدام دریافت کردند. این شش نفر عبارت بودند از حجت‌الله عبدلی، بهمن منشط، عبدالله خدارحمی، ولی‌الله سیف، روح‌الله سیف و ماشاءالله سیف. خبر اعدام این شش نفر به صورت پنهانی صورت گرفته اما بعد از انتشار خبر، موجی از اعتراض و ناراضی به وجود آمد. مردم اجرای این حکم را کاملاً ناعادلانه دانسته و آن را دور از قوانین الهی و انسانی دانستند.

سخن نهایی

گروه ابوذر گروهی بسیار کوچک بود که نقطه تشکیل آن، شهری دورافتاده و خارج از تهران بود؛ اما بازتاب فعالیت‌های آن در

سراسر کشور گسترش یافت و محرک خوبی برای ادامه مبارزه انقلابیون شد. این گروه که با کمترین امکانات، به مبارزه سیاسی مشغول بود با حکم ناعادلانه حکومت از هم پاشید. در واقع اعدام شش نفر از اعضا به دلیل کشته شدن غیرعمدی یک پاسبان، بار دیگر موضوع نظام قضایی ناعادلانه را پررنگ کرد و نشان داد که مصالحه و سازش با حکومت عملاً منتفی است زیرا در راس حکومت پادشاهی دیکتاتور قرار دارد که برای حفظ قدرت و حکومت خود از هیچ جنایتی کوتاهی نمی‌کند.

[۱] - جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات (یادنامه آیت الله علی مشکینی)، جلد ۲، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۲، ص ۹۶

[۲] - سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴-۱۳۸۴)، جلد ۱، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۵۷۷

[۳] - رضا شجاعی مهر، بازخوانی هویت انقلاب اسلامی با تاکید بر آموزه مهدویت در تفکر شیعی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)، ۱۳۸۹، ص ۸۹

[۴] - جمعی از نویسندگان، مجموعه مقالات (یادنامه آیت الله علی مشکینی)، جلد ۲، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۲، ص ۹۶

[۵] - مجموعه مقالات نخستین همایش تاریخ شفاهی ایران (شانزدهم اسفند ۱۳۸۵)، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷، ص ۶۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/50111> دار-چوبه-پای-خواهی-آرماز-بوذر